

هوش هیجانی و اخلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

مؤلف:

سمیرا حضرتی

www.ketab.ir

سرشناسه	:	حضرتی، سمیرا، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور	:	هوش هیجانی و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان/مؤلف سمیرا حضرتی.
مشخصات نشر	:	تهران : آرمان‌گرایان، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۷۲ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۱۸۵۸-۶-۵
وضعیت فهرست	:	فیبیا
نویسی	:	
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	هوش هیجانی Emotional intelligence خلاقیت در کودکان Creative ability in children پیشرفت تحصیلی (Promotion (School
رده بندی کنگره	:	BF۵۷۶
رده بندی دیویی	:	۱۵۲/۴
شماره کتابشناختی	:	۹۶۹۳۴۲۲
ملی	:	
اطلاعات رکورد	:	نیان
کتابشناسی	:	

تهران. میدان انقلاب. جنب بانک تجارت. ساختمان افق پلاک ۱۳۶۰ واحد ۱۵ همراه ۰۹۱۲۲۳۷۴۷۱۵-

عنوان: هوش هیجانی و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

مؤلف: سمیرا حضرتی

نشر و پخش: موسسه فرهنگی انتشاراتی آرمان‌گرایان - www.zolalesazh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: مجد

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۸۵۸-۶-۵

فهرست مطالب

مقدمه	۱
پیشینه مطالعاتی	۸
بخش اول؛ پیشرفت تحصیلی	۱۷
۱- تعریف	۱۷
۲- عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی	۱۸
۳- اثرات پیشرفت تحصیلی	۲۱
بخش دوم؛ هوش	۲۲
۱- تعریف	۲۲
۲- انواع تقسیم‌بندی هوش	۲۳
۳- تعاریف هوش هیجانی	۲۴
۴- مؤلفه‌های هوش هیجانی	۳۰
۵- اهمیت هوش هیجانی	۳۶
۶- تاریخچه هوش هیجانی	۳۶
۷- مقیاس‌های سنجش هوش هیجانی	۴۰
بخش سوم؛ خلاقیت	۴۰
۱- تعریف	۴۰
۲- مؤلفه‌های خلاقیت	۴۹
نتیجه‌گیری	۵۰
منابع و مأخذ	۵۱
الف) منابع فارسی	۵۱
ب) منابع انگلیسی	۵۸

انسان‌ها در ارتباط با محیط زندگی و اطرافیان تجربیات ارزنده‌ای کسب می‌نمایند که با بهره‌مندی از این تجربیات در مسیر زندگی گام برمی‌دارند. رشد و بالندگی جوامع مرهون نظام آموزشی آن‌هاست. و آموزش و پرورش زیربنای توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. مدرسه به‌عنوان کانون شکل‌گیری رفتار اجتماعی، فرهنگی و ... دانش‌آموزان نقش به‌سزایی در کسب تجربیات، دستیابی به موفقیت و پیشرفت در زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانش‌آموزان دارد. هوش هیجانی از نظر مایر و سالوی نوعی تعاریفی است که به‌عنوان ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره هیجانات در خود و دیگران تعریف شده است (مایر^۱ و سالوی^۲، ۱۹۹۷). بسیاری از متخصصان بر این امر تأکید می‌کنند که بین متغیرهای هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دوره‌های مختلف سنی^۳، میان دختران و پسران ارتباط نزدیکی وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش یا کاهش یک متغیر، تغییراتی در متغیر دیگر به‌وجود می‌آید (سالوی و همکاران، ۲۰۰۱). افراد دیگری چون ساراف^۳ (۲۰۰۸)، تأثیر هوش هیجانی بر موفقیت شغلی و تحصیلی را نشان داده‌اند. بنابراین با

۱. Mayer

۲. Salovey

۳. Saraf

توجه به اهمیت این موضوع، امروزه هوش هیجانی به اندازه هوش تحلیلی و شناختی اهمیت یافته و می‌تواند در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی مؤثر واقع شود.

همچنین تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که خلاقیت نیز بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. خلاقیت از دیدگاه‌های مختلفی تعریف شده است. خلاقیت، توانایی اندیشیدن درباره‌ی امور به راه‌های تازه و غیر معمول و رسیدن به راه‌حل‌های منحصر به فرد برای مسائل است (سانتراک^۱، ۲۰۰۴). توجه به هوش هیجانی و خلاقیت دانش‌آموزان جهت بررسی و پیش‌بینی میزان پیشرفت تحصیلی از عواملی است که بایستی مورد توجه مدارس واقع شود. لذا در این تحقیق، ابعاد مختلف ارتباط بین هوش هیجانی و خلاقیت دانش‌آموزان جهت تحصیلی را بررسی می‌کنیم.

هوش^۲ به‌عنوان یکی از وجوه قابل توجه در سنجش یافتگی افراد با محیط و از عوامل مهم تفاوت‌های فردی به‌شمار می‌رود. برخی صاحب‌نظران هوش را به‌عنوان ماهیتی واحد و برخی آن را واجد مؤلفه‌ها و مقوله‌های بی‌شماری می‌دانند. از زمانی که مفهوم هوش از مطالعات آزمایشگاهی و آزمون‌های معما شکل و کاغذ-مدادی به سطح جامعه و روابط بین فردی انتقال یافت، مفاهیمی چون "هوش اجتماعی"،

۱. Santrock

۲. Intelligence

"هوش بین فردی" و "هوش هیجانی"، ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده است (ثمنی و طهماسبی، ۱۳۸۶).

هوش هیجانی^۱ از سازه‌هایی است که از طریق تظاهرات هیجانی و با درک و انسجام بخشیدن به هیجان‌ها جلوه‌گر می‌شود. در واقع هوش هیجانی، مجموعه‌ای گسترده از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و معمولاً به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی اطلاق می‌گردد که فراتر از حوزه مشخص از دانش‌های پیشین، هوشبهر و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است. هوش هیجانی از آخرین مباحث متخصصین در خصوص درک تمایز بین منطق و هیجان بوده است (سبحانی‌نژاد، ۱۳۸۷). گلمن^۲، هوش هیجانی را بدین صورت تعریف نموده است: «مجموعه مهمی که آن را هوش هیجانی می‌نامیم، شامل توانایی‌هایی است که فرد بتواند انگیزه خود را حفظ نماید، در مقابل ناملایمات پایداری نماید، تکانش‌های خود را کنترل کند و کامیابی را به تعویق بیاورد، حالات روحی خود را تنظیم نماید و نگذارد پریشانی خاطر قدرت تفکر او را خدشه‌دار سازد، با دیگران همدلی کند و امیدوار باشد» (گلمن، ۲۰۰۱).

۱. Emotional Intelligence

۲. Goleman

شواهد بسیاری ثابت می‌کنند افرادی که مهارت هیجانی دارند، یعنی افرادی که احساسات خود را به خوبی می‌شناسند و هدایت می‌کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به روشی اثربخش با آن برخورد می‌کنند، در هر حیطه‌ای از زندگی ممتازند. افرادی که در مهارت‌های عاطفی‌شان به خوبی رشد یافته‌اند، در زندگی خویش نیز خرسند و کارآمدند و عاداتی فکری را در اختیار دارند که موجب می‌شود آن‌ها افرادی مولد و کارآمد باشند. افرادی که نمی‌توانند در زندگی عاطفی خود تسلط داشته باشند، درگیر کشاکش‌های درونی هستند همین از توانایی آنان در انجام کار متمرکز و تفکر روشن می‌باشد (گمن، ۲۰۰۱).

خلاقیت^۱ عبارت است از توانایی حل مسئله‌ای که فرد حل آن‌ها را قبلاً نیاموخته است (وایزبرگ^۲، ۱۹۹۵ و میر^۳، ۱۹۸۳). به نظر وایزبرگ (۱۹۹۲)، خلاقیت زمانی شکل می‌گیرد که فرد راه حل تازه‌ای برای مسئله‌ای که با آن روبرو شده به کار ببرد. این تعریف شامل دو عنصر است: اول راه حل مسئله و دوم تازه و نو بودن راه حل برای حل کننده مسئله. بنابراین ممکن است راه حل مشابهی برای فردی، خلاق باشد و برای دیگری غیر خلاق (وایزبرگ، ۱۹۹۲). مقیمی (۱۳۷۷)، معتقد است خلاقیت عبارتست از توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیر

۱. Creativity
۲. Weisberg
۳. Mayer

معمول بین ایده‌های مختلف. کونتز^۱ (۱۹۸۸)، خلاقیت را به معنای توانایی و قدرت پدید آوردن اندیشه‌های جدید تعریف نموده است.

گلמן (۲۰۰۰) ابعاد تأثیرپذیر از هوش هیجانی را شامل افزایش بازدهی شخصی، موفقیت شغلی، پرورش و افزایش خلاقیت، افزایش عملکردهای گروهی، انگیزش و کاهش فشار روانی افراد می‌داند (گلמן، ۲۰۰۰). هیگز و هندر^۲ (۲۰۰۶)، یکی از راه‌های تسریع خلاقیت در بین افراد را هوش هیجانی می‌شمارند. افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند، به سرعت راه را برای دستیابی به ایده‌های خلاق می‌کشایند زیرا هیجان نقش مهمی در ایجاد خلاقیت دارد. همچنین طالب‌زاده نوبریان و نوروزی در طی پژوهش‌های خود اثبات کردند که بین مؤلفه‌های هوش هیجانی (به جز مؤلفه همدلی) و تمام مؤلفه‌های آگاهی فراشناختی از راهبردهای خواندن با عملکرد تحصیلی دانشجویان ارتباط وجود دارد (طالب‌زاده نوبریان و همکاران، ۱۳۹۲). بیگزاده در مطالعه‌ی خود اظهار داشت هوش هیجانی با خلاقیت رابطه دارد (بیگزاده، ۱۳۹۳).

در جوامع امروزی حضور افرادی پویا و خلاق حیاتی است. و خلاقیت، نیازمند ابتکار و بهره‌مندی از هوش و استعداد است. خلاقیت و نوآوری از مهمترین اهداف آموزش

^۱. Koontz

^۲. Higgs & Hender

و پرورش و جزو مهمترین رسالت‌های سازمان‌های آموزشی می‌باشد. همانطور که مؤمنی مهموثی و اوجی نژاد، در سال ۱۳۸۹ اثبات کردند که روش تدریس با الگوی بدیعه‌پردازی در باروری و شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر است (مؤمنی مهموثی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین با توجه به مطالعات صورت گرفته و ارتباط بین هوش هیجانی، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، تربیت افرادی خلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شکل‌گیری این توانمندی‌ها از سنین کودکی و در مدرسه و در قالب آموزش و پرورش تحقق می‌یابد. لذا نهادهای آموزشی، به‌ویژه آموزش و پرورش، که سازمان‌های بزرگ و پیشرو هستند و بیش‌تر از سایر سازمان‌ها با نیروی انسانی در ارتباط بوده و عهده‌دار تربیت و تألیف نیروی انسانی جامعه هستند، بایستی به این امر مهم توجه نمایند.

مطالعات صورت گرفته مبین وجود ارتباط بین هوش هیجانی و آگاهی فراشناختی از راهبردهای خواندن با عملکرد تحصیلی (طالب‌زاده نوبریان و همکاران، ۱۳۹۲)، ارتباط انگیزه پیشرفت در پیشرفت تحصیلی (شهنی بیلاق همکاران، ۱۳۸۴) می‌باشد. با توجه به تعریف خلاقیت، خلاقیت افراد در محیط‌های حمایتی ظهور می‌یابند. لذا

توجه به خلاقیت دانش‌آموزان در محیط مدرسه موجب بروز بیش‌تر آن شده و با توجه به ارتباط خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، امکان موفقیت آنان را فراهم می‌نماید. بررسی‌های مرتبط با هوش هیجانی نشان می‌دهد که ابعاد مختلف هوش هیجانی، موجب خودشکوفایی، جرأت‌مندی، حرمت‌نفس و ... می‌شود. هوش یکی از وجوه قابل توجه در سازش‌یافتگی افراد با محیط و همچنین به‌عنوان یکی از عوامل تفاوت‌های فردی به‌شمار می‌رود. برخی از صاحب‌نظران، هوش را به‌عنوان ماهیتی واحد و برخی آن را واجد مؤلفه‌های مختلف می‌دانند. مفاهیمی چون «هوش اجتماعی»، «هوش بین‌فردی» و «هوش هیجانی»، به‌عنوان ماهیتی واحد و برخی آن را واجد مؤلفه‌های مؤثر بر پیشرفت تحصیلی، در حال حاضر ذهن پژوهشگران متعددی را به خود مشغول کرده است (ثمری و همکاران، ۲۰۰۱). هوش هیجانی می‌تواند دورنمای خوبی از موفقیت‌ها و پیشرفت افراد فراهم کند. افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، مهارت‌های اجتماعی بهتر و روابط پایدارتری برقرار کرده و در برخورد با مشکلات بهتر عمل می‌کنند.

بنابراین حائز کمال اهمیت است که دانش‌آموزان را در شناخت مؤلفه‌های هوش هیجانی و بروز ابعاد مثبت آن یاری کرده و موجبات شکوفایی استعداد‌های آنان و در

نتیجه پیشرفت تحصیلی آنان را فراهم آورد. لازم به ذکر است که اخیراً مطالعات اندکی در زمینه بررسی ارتباط هوش هیجانی و خلاقیت صورت گرفته است.

پیشینه مطالعاتی

حسینی (۱۳۸۰)، در طی پژوهشی با عنوان **خلاقیت در مدیریت**، به این نتیجه دست یافت که برای مدیریت خلاقیت باید خلاقیت و اجزای آن را شناخت و محل تلاقی اجزا را که در واقع جای توسعه خلاقیت است، یافت. مدیران موفق نیز ضمن توسعه و مدیریت خلاقیت خود، به دنبال رشد خلاقیت در سازمان و کارکنان هستند. برای تحقق خلاقیت در مدیریت می‌توان از روش‌های مختلف به‌خصوص حل خلاق مسائل بهره زیادی به‌دست آورد.

یافته‌های پژوهش شهنی ییلاق و بنابی مبارکی و همکاران (۱۳۸۴)، مبین نقش و اهمیت انگیزه در پیشرفت تحصیلی است. نتایج در مورد روابط بین موضوعی و درون موضوعی انگیزش تحصیلی (خودکارآمدی، ارزش تکلیف، هدف عملکردگرا، عملکرد گریز و تبحری) در دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان شهر اهواز، حاکی از این بود که روابط مثبت و معنی‌داری بین این سازه‌ها و در دروس مختلف وجود دارد.

سیادت، یارمحمدزاده و پرتوی (۱۳۸۶)، پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین ماهیت شغل و میزان خلاقیت کارکنان از نظر سرپرستان در کارخانه ذوب آهن اصفهان، بر روی نمونه‌ای شامل ۸۲ نفر از سرپرستان کارخانه ذوب آهن اصفهان در سال ۸۴-۸۵ انجام دادند. نتایج پژوهش بدین صورت بود که بین ارزش کار و خلاقیت رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد که حاکی از آن است که هرچه ارزش کار در بین مدیران سازمان بالاتر باشد، انگیزه آنان برای خلاقیت بیش‌تر خواهد بود. همچنین بین خرد استقلالی و خلاقیت در بین سرپرستان، بین بازخورد و خلاقیت در بین سرپرستان، بین فرصت‌های شغلی و خلاقیت سرپرستان، بین امکانات شغلی و خلاقیت در بین گروه کاری و بین ارزش‌های شغلی و خلاقیت رابطه معنادار و مستقیم مشاهده شد.

رهنما و عبدالملکی (۱۳۸۸)، مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه شاهد انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از این بود که پیشرفت تحصیلی دانشجویان (معدل کل آنها) با هفت متغیر بیش‌بینی‌کننده، در سطح ۰/۰۱ رابطه معناداری (با جهت مثبت) دارند، که سیالی، انعطاف‌پذیری، بسط، ابتکار، خود انگیزی، خود آگاهی و خود کنترلی را شامل بودند. بیشترین میزان همبستگی در خصوص پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی مربوط به

متغیر «سیالی» (۰/۳۳۴) و کمترین میزان همبستگی، مربوط به متغیر «خود کنترلی» با مقدار (۰/۱۰۵) بود. متغیرهای همدلی و مهارت اجتماعی با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری را نشان ندادند. نتایج تحلیل رگرسیون به منظور تبیین سهم هر یک از متغیرهای هوش هیجانی و اخلاقیت به تفکیک در پیش بینی پیشرفت تحصیلی نیز نشان داده که به ترتیب متغیرهای «سیالی»، «انعطاف پذیری»، «بسط»، «ابتکار»، «خودانگیزی»، «خودآگاهی» بیشترین سهم را دارند. نتایج به دست آمده از آزمون t مستقل نیز نشان داد که بین هوش هیجانی و اخلاقیت دانشجویان دختر و پسر در پیش بینی پیشرفت تحصیلی آن تفاوت معناداری وجود ندارد.

مطالعه‌ای توسط کشتکاران، حاتم، زبانی و لطفی (۱۳۸۹)، بر روی ۸۱ نفر از مدیران آموزشی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز صورت گرفت که به بررسی رابطه هوش هیجانی با مدیریت تعارض مورد سنجش پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بین هوش هیجانی با راهبردهای مدیریت تعارض رابطه آماری معناداری وجود ندارد. در مدیران آموزشی بین راهبرد کنترل و سابقه مدیریت رابطه معنادار منفی مشاهده گردید و در بین مدیران مرد بین هوش هیجانی و راهبردهای عدم مقابله و راه حل گرایی رابطه آماری معنادار منفی وجود داشت.

مؤمنی مهموثی و اوجی نژاد (۱۳۸۹)، مطالعه‌ای تحت عنوان تأثیر بکارگیری الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس انشاء، انجام دادند. نتایج مطالعه حاکی از این بود که روش تدریس با الگوی بدیعه‌پردازی در باروری و شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان مؤثرتر از روش‌های عادی و متداول است.

طالب‌زاده نویریان و نوروزی (۱۳۹۲)، در طی پژوهشی که بر روی ۱۲۷ نفر از دانشجویان انجام دادند رابطه هوش هیجانی و آگاهی فراشناختی از راهبردهای خواندن را با عملکرد تحصیلی بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که بین مؤلفه‌های هوش هیجانی (به جز رله، همدلی) و تمام مؤلفه‌های آگاهی فراشناختی از راهبردهای خواندن با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

بیگ‌زاده (۱۳۹۳)، در تحقیقی که بر روی ۷۸ نفر از مدیران مدارس انجام داد، به بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضایت شغلی با اثربخشی مدیران مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهرستان جیرفت در سال ۹۲-۱۳ پرداخت، که نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که هوش هیجانی با رضایت شغلی رابطه معنادار داشته، رابطه بین رضایت شغلی با خلاقیت مدیران معنادار نبوده و هوش هیجانی با خلاقیت رابطه‌ای معنادار داشته است (بیگ‌زاده، ۱۳۹۳).

کشاورز و همکاران (۱۳۹۳)، مطالعه‌ای تحت عنوان رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام دادند. نتایج بدین شرح بود که هوش هیجانی دانشجویان پزشکی بالا نیست. بین نمره هوش هیجانی و ابعاد آن با نمره پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری وجود نداشت. فقدان ارتباط معنادار بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی، ممکن است به دلیل نوع آزمون گرفته شده از دانشجویان باشد که اساساً عمق یادگیری را نمی‌سنجد؛ بلکه آن‌چه را که دانشجویان حفظ کرده‌اند، می‌سنجد.

قادری، نصیری، ذاکری و ... (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران در سال ۱۳۹۳، به بررسی مقطعی ۳۰۳ دانشجوی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این بود که هوش هیجانی اکثر دانشجویان در سطح متوسط بود. و با توجه به این مسئله، توجه به اهمیت هوش هیجانی در ارتقاء سلامت و موفقیت تحصیلی دانشجویان پیشنهاد گردید.

کرنیل و زمیل (۱۹۹۷)، در تحقیقی نشان داده‌اند که هوش هیجانی بالا با انعطاف-پذیری، خوش‌بینی، خودانگیزی خطرپذیری همبستگی بالایی دارند و نیز دریافته‌اند که افراد بی‌قرار، بی‌حوصله و ناشکیبا که خونسردی خود را به آسانی از دست می‌دهند و بداخلاق و عصبانی می‌شوند، از هوش هیجانی پایینی برخوردار می‌باشند.

بارساد^۱ (۲۰۰۰) **هوش هیجانی و اثرات آن بر رهبری گروه** را مورد بررسی قرار داد. هدف این پژوهش توانایی به کارگیری هیجانات یا تولید هیجان‌ها برای تسهیل حل مسئله در کارایی اعضای گروه می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که گسترش هیجان‌های مثبت در داخل گروه‌ها، همکاری و مشارکت اعضای گروه را تسهیل کرده، تعارض را کاهش داده و میزان کارایی اعضای گروه را بهبود می‌بخشد.

کرایس براون و همکاران (۲۰۰۲)، در پژوهشی **رابطه‌ی بین تصمیم‌گیری شغلی خود کارآمدی و هوش هیجانی** را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که هوش هیجانی، وسیله هم‌دلی، روابط بین فردی و عوامل خود کنترلی به‌طور مثبت و مستقیم با تصمیم‌گیری شغلی و خودکارآمدی رابطه دارد. نتیجه دیگر این است که جنسیت به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در بررسی رابطه هوش هیجانی و متغیرهای شغلی مورد تأیید قرار نگرفته است. به عبارت دیگر بین مردان و زنان تفاوت معناداری وجود ندارد.

بری (۲۰۰۲)، در پژوهش خود پیشنهاد می‌کند توجه به عواملی مانند گسترش مواد آموزشی کلاس‌های چندپایه، اصلاح دوره تحصیلات و تولید مواد آموزشی ویژه این کلاس‌ها می‌توانند در کارایی این کلاس‌ها مفید باشند.

لورا و همکاران (۲۰۰۵)، مطالعه‌ای تحت‌عنوان **رابطه بین اضطراب اجتماعی و هوش هیجانی** انجام دادند. نمونه آماری این تحقیق شامل ۲۶۲۹ نفر بود. نتایج نشان داد که هوش هیجانی رابطه زیادی با اضطراب ناشی از تعاملات اجتماعی دارد، ولی ارتباطی با اضطراب عملکرد ندارد. همچنین، هوش هیجانی یک عامل مهم در تنظیم روابط فردی می‌باشد که باعث کاهش اضطراب در تعاملات می‌شود.

اوگینز کابولیک (۲۰۰۵)، مطالعه‌ای با عنوان **هوش هیجانی در محل کار**، انجام داد. این مطالعه بر روی ۲۳۰ نفر پزشک، پرستار، معلم و مدیر انجام شد و نتایج بدین صورت بود که هوش هیجانی، یک عامل ضروری در تعیین موفقیت در زندگی و سلامت روانی است. هوش هیجانی، تأثیر ضروری در مقابله با استرس شغلی افراد دارد و باعث پیشگیری از ایجاد تأثیرات منفی بر سلامت روانی آن‌ها می‌شود.

آدیمو (۲۰۰۷)، در مطالعه‌ای به بررسی **اثر تعدیل‌کننده‌ی هوش هیجانی بر تعهد سازمانی** پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که هوش هیجانی اثر معنی‌داری بر

تعهدسازمانی دارد. برپایه یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود از هوش هیجانی به عنوان مداخله گر در ارتقای تعهد سازمانی استفاده شود.

مایک انیولا و بیوساری^۱ (۲۰۰۹)، پژوهشی با عنوان **تأثیر هوش هیجانی در پیشرفت خودکارآمدی دانشجویان نیجریه‌ای** انجام داده‌اند. این مطالعه به بررسی تأثیر هوش هیجانی (EQ) در پیشرفت خودکارآمدی دانشجویان که به تازگی از نظر بینایی آسیب دیده‌اند، پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که تفاوت‌های مهمی در سطح پیشرفت گروه تحت درمان و گروه کنترل وجود دارد. همچنین موضوعات مردان و زنان تفاوت مهمی در واکنش‌های آن‌ها نسبت به درمان ایجاد می‌کند. همچنین برنامه آموزش هوش هیجانی، برنامه مؤثری برای کنترل خودکارآمدی می‌باشد.

گروز، مک انرو و شن^۲ (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان **بهبود و اندازه‌گیری هوش عاطفی رهبران**، با طرح این پرسش که آیا می‌توان هوش عاطفی را (با توجه به مدل پیشنهادی مایر و سالووی) افزایش داد، اقدام به یک تحقیق آزمایشی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که هوش عاطفی را می‌توان بهبود بخشید.

۱ . Mike and Busari

۲ . Groves, Mc Enrue & Shen

کوکماز و آrpاسی^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان رابطه رفتار شهروندی سازمانی با هوش هیجانی رهبران، نشان دادند که دو بعد وجدان کاری و نوع دوستی رفتار شهروندی سازمانی با میزان هوش هیجانی رهبران رابطه دارد. همچنین نتایج حاکی از این بوده که هوش هیجانی مدیران با میزان بروز نوع دوستی رفتار شهروندی-سازمانی از جانب کارکنان رابطه دارد.

تربیتی و اتیکا^۲ (۲۰۱۱)، در تحقیقی با عنوان رابطه هوش عاطفی، رفتار شهروندی سازمانی و تحول رهبری، این نتیجه دست یافتند که اگرچه هوش هیجانی یک ویژگی مهم برای درک از تحول رهبری می باشد، اما تحول رهبری به طور مستقیم با هوش عاطفی ارتباط ندارد. اما هوش عاطفی با دو بعد از رفتار شهروندی سازمانی یعنی نوع دوستی و وظیفه شناسی ارتباط معنادار دارد. همچنین یافته ها حاکی از این بود که رفتار شهروندی سازمانی با هوش عاطفی ارتباط مثبت دارد.

مبانی نظری

مبانی نظری، بنیان فکری پژوهش را در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل می دهد. منشاء نتایج، استنباط ها و سیاست گذاری ها و تعیین راهبردها مبانی نظری می باشد. در واقع مبانی نظری، مسیر تحقیق را معین کرده و آن را کنترل

^۱ . Korkmaz & Arpaci

می‌کند. مبانی نظری با تشکیل بستر ذهنی مناسب، مناظر فکری محقق و کاربران تحقیق را به هم متصل نموده و موجب استنباط‌های یکسانی از مفاهیم و نظریات موجود در این زمینه خواهد شد.

بخش اول؛ پیشرفت تحصیلی

۱- تعریف

پیشرفت تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشگاهی اطلاق می‌شود که به وسیله آزمون‌های فراگیری استاندارد شده یا آزمون‌های معلم ساخته اندازه‌گیری می‌شود (ریدی، ۱۳۸۳). به‌طور کلی این اصطلاح به معنای مقدار یادگیری آموزشگاهی فرد است. بررسی‌هایی که بتوان آن‌ها را در مقوله کلی عوامل مربوط به تفاوت‌های فردی و عوامل مربوط به مدرسه و نظام آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار داد (سلیمان نژاد و همکاران، ۱۳۸۱). برنامه درسی پنهان در مقاله‌ی پارسونز در مورد «کلاس به مثابه یک نظام اجتماعی» نیز مطرح شده است. ولی پارسونز از اصطلاح «عنصر اخلاقی برنامه درسی» استفاده می‌کند تا به یادگیری دانش آموزان در مورد مسائلی نظیر احترام به معلم، همکاری و عادات پسندیده اشاره می‌کند. اصطلاح برنامه درسی پنهان برای اولین بار توسط جکسون در کتاب زندگی در کلاس‌های درس، مطرح شد. منظور او از این اصطلاح، اشاره به درس‌هایی بود